



بازشناسی روایات کتاب تأویل مختلف الحدیث در کتاب عوالی اللئالی*

دکتر علیه رضاداد

استادیار دانشگاه فرهنگیان (تهران - ایران)

Email: a.rezadad@cfu.ac.ir

چکیده

نگرش انتقادی به منابع حدیثی به منظور رسیدن به روایات صحیح صادرشده از معصومین علیهم السلام، از مهمترین بایسته های پژوهش در علوم حدیث است. از این رو نقد بیرونی مآخذ روایی و طبقه بندی منابع اولیه آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا گاه نویسندگان کتب حدیثی به مآخذ خود به طور کامل اشاره نمی کنند و احادیث به صورت مرسل نقل می شوند و این امر سبب تضعیف روایات می شود. این نوشتار روایات کتاب تأویل مختلف الحدیث نوشته ابن قتیبہ را در کتاب عوالی اللئالی اثر ابن ابی جمهور احسانی بازشناسی می کند و هدف از آن تعیین مآخذ بعضی از احادیث کتاب عوالی و پیراستن کتب شیعه از روایات ضعیف، با روش مطالعه تطبیقی است.

آنچه در مقایسه این دو اثر به دست می آید این است که ابن ابی جمهور در فصل چهارم از کتاب خود بیش از دو سوم (حدود ۷۰ درصد) احادیث ابن قتیبہ را نقل کرده است. او به نقل ساده احادیث اکتفا نکرده و همانند ابن قتیبہ، در حاشیه کتاب عوالی، تأویلاتی را آورده است که در بعضی موارد، همان مفهومی است که ابن قتیبہ در تأویلات خویش ذکر کرده است. گاهی نیز تأویلات او متفاوت و احیاناً معارض با ابن قتیبہ است و در برخی از روایات نیز که تعدادشان اندک است، عین عبارات ابن قتیبہ را نقل کرده است. شاید دلیل روی آوردن ابن ابی جمهور به کتاب ابن قتیبہ دفاع وی از قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» باشد و بهترین اثری که او تا آن زمان برای جمع احادیث معارض یافته، کتاب ابن قتیبہ بوده است.

کلیدواژه ها: حدیث، کتب حدیثی، عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور احسانی، تأویل مختلف الحدیث، ابن

قتیبہ دینوری.

*. مقاله پژوهشی؛ تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲.

Re-evaluation of narrations quoted in Ta'wil al-Mokhtalef al-Hadith in Awali al-Laali

Dr. Aliyyeh Rezadad

Assistant Professor, Farhangian University (Tehran-Iran)

Abstract

A critical analysis of hadith sources in order to identify valid and reliable narrations issued by the Infallibles (PBUH) is one of the main requisites of research in the sciences of hadith. Therefore, the external critique of narrative sources and classification of their primary sources is of paramount importance. It is because the authors of hadith books do not mention the details of their sources and narrations are usually quoted as Mursal hadiths, which undermines the authenticity of the hadith. This paper takes a fresh look at the narrations of the book Ta'wil al-Mokhtalef al-Hadith by Ibn al-Qutaybah in Ibn Abi Jumhur al-Ehsei's Awali al-Laali. The primary goal is to determine the source of some hadiths in the Awali al-Laali and to filter out unreliable narrations from Shiite books by a comparative study. The comparison of these two works suggests that Ibn Abi Jumhur in the fourth chapter of his book has quoted more than two-thirds (about 70%) of the hadiths by Ibn Qutaybah. Not sufficing to a simple quotation of the hadiths, and like Ibn al-Qutaybah, he has explained interpretations in the footnotes of the Awali al-Laali, which in some cases are exactly the concepts described by Ibn al-Qutaybah. Occasionally his interpretations are different and even inconsistent with those of Ibn al-Qutaybah, whereas in a handful of narrations, he has quoted Ibn Naqtibah verbatim. The reason Ibn Abi Jumhur turned to Ibn al-Qutaybah's book is his defense of the rule "the aggregation of two [different] narrations is preferred to the rejection of either one" and the best work that managed to compile opposing hadiths is the work of Ibn al-Qutaybah.

Keywords: Hadith, hadith books, Awali al-Laali, Ibn Abi Jomhuri Ehsaei, Ta'wil al-Mokhtalef al-Hadith, Ibn al-Qutaybah Dinuri.

طرح مسأله

یکی از مهم‌ترین موضوعات برای پژوهش در هر مأخذ تاریخی، نقد بیرونی آن است. نقدی که متن را از منظر روابط بیرونی و شکل ظاهری نظیر نقد بازسازی آن، نقد مبادی سند و طبقه‌بندی منابع اولیه مورد بررسی قرار می‌دهد. بسیار اتفاق می‌افتد که مأخذ یا مأخذ یک مؤلف از میان رفته یا نویسنده از آنها سخنی به میان نیاورده است. بنابراین چنانچه بخواهیم اثری را مورد ارزیابی قرار دهیم، نخست باید اصالت و بداعت متن آن اثر را ارزیابی نماییم (رک. ساماران، ۴: ۵۵-۱۷۱). یکی دیگر از مسائلی که در نقد بیرونی مورد توجه قرار می‌گیرد، تعیین انتساب متن کتاب است که گاه از آن با عنوان مستقل «نقد انتساب» یاد می‌شود و نشانگر این است که گواهی منسوب به یک شاهد تاریخی تا چه اندازه از خود اوست؟ محقق تاریخ باید به واسطه بررسی اصل متن و مقایسه آن با شواهد و قراین خارجی به هدف ناشی از نقد متن دسترسی پیدا کند (رک. زرین کوب، ۱۴۵-۱۵۵).

این روش پژوهش تاریخی، در مطالعات حدیثی نیز از اهمیت ویژه‌ای می‌تواند برخوردار باشد. پاسخ به سؤالاتی نظیر: آیا همه متن حقیقتاً متعلق به مؤلف است؟ یا بخش‌هایی از آن، از سایر کتب اقتباس شده است؟ هدف مؤلف از تولید متن چه بوده است؟ مؤلف با چه نیتی از منابع استفاده کرده و چه میزان از آنها تأثیر پذیرفته است؟ مؤلف چه جهت‌گیری‌های فکری داشته و این جهت‌گیری‌ها چه تأثیری در نگارش متن داشته است؟ عناوینی است که در نقد بیرونی متن منابع حدیثی، مورد ارزیابی می‌تواند قرار گیرد.

این مقاله با رویکرد نقد منابع اولیه برای تعیین اصالت متن، در پی آن است که یکی از منابع کتاب عوالی اللثالی را که نویسنده بدان اشاره‌ای نکرده است، بازشناسی کند، اما از مطالب و حتی چینش آن، استفاده بسیار نموده است. کتابی که در این مقاله بازشناسی خواهیم کرد تأویل مختلف الحدیث از ابن‌قتیبه دینوری (م. ۲۷۶ ق.) است که ابن‌ابی‌جمهور در فصل چهارم از کتاب خود به تفصیل از آن بهره‌جسته و روایات آن را آورده است.

اهمیت بازشناسی احادیث ابن‌قتیبه در کتاب عوالی بدان جهت است که عوالی یکی از مأخذ حدیثی جوامع روایی متأخر محسوب می‌شود و برخی از احادیثی که در منابع متأخر، متفرد یا مرسل‌اند، از کتاب وی و در اصل از یک منبع عامه به این کتب راه یافته است. ابن‌ابی‌جمهور یکی از محدثانی است که در برگزیدن منابع تسامح بیشتری به خرج داده و سلسله روایات را حذف نموده و تنها به طرقی که در مقدمه آورده اکتفا کرده است. از این رو، بر کتاب وی نقدهایی وارد است که مجموعه‌ای از اینها در رساله‌ای با عنوان «رسالة الردود و النقود علی الكتاب و مؤلفه و الأجوبة الشافية الکافیة عنهما» به قلم نجفی مرعشی

گردآوری شده و در آن به بیان چند نقد و پاسخ به آنها پرداخته و به عنوان مقدمه‌ای به ضمیمه عوالی اللنالی به چاپ رسیده است (نجفی مرعشی، ۱: ۳۷).

البته به نظر می‌رسد این پاسخ‌ها مکفی نباشد. چرا که با مطالعه کتاب و بازشناسی منابع آن، روایات بسیاری را می‌توان یافت که تنها از طرق عامه نقل شده است. ضمن آن که اسانید و اجازاتی که ابن‌ابی‌جمهور در مقدمه کتاب آورده، اعتمادی به صدور همه روایات ایجاد نمی‌کند و همچنان انتقاد بر وی مبنی بر سهل‌گیری در نقل روایات و آمیختن غث و سمین (همان، ۱: ۳۸) به قوت خود باقی است و معیار وثوق به صدور خبر برای پذیرش آن روایات نیز در هاله‌ای از ابهام مانده است.

ضرورت بازشناسی روایات عامه این است که نقل روایات از منابع عامه بدون آن‌که به مأخذ اصلی آنها اشاره شود می‌تواند سبب ابهام در تشخیص صحت و سقم احادیث گردد. زیرا معیارهای پذیرش احادیث در بین دانشمندان شیعه با عامه متفاوت است. به عنوان نمونه در بازشناسی این روایات معلوم می‌گردد که بعضی از آن روایات به واسطه افراد ضعیفی همچون ابوهریره نقل شده (برای نمونه رک. ابن‌ابی‌جمهور، عوالی، ۳۰/۱، ۶۲، ۶۹، ۷۴، ۷۶، ۸۱، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۲۵، ۲۰۶، ۲۲۵، ۳۸۰) و سبب تضعیف کتب روایی شیعه شده است. ضمن آن‌که اهل سنت به عدالت صحابه باور دارند و تمامی روایاتشان را می‌پذیرند، در حالی که محدثان شیعه، روایات صحابه را نیز همچون دیگر افراد می‌داند که بررسی احوالشان ضرورت دارد. همچنین بنا بر مسأله تنويع حدیث (← ادامه مقاله) روایت مؤثقی که روایات افراد عادل و ثقه عامه است، تنها مورد تأیید برخی عالمان شیعی بوده است و برخی دیگر به این روایات با دیده تردید نگریسته‌اند. از این رو، با بازشناسی این روایات در منابع حدیثی شیعه، معیارهای دقیق‌تری برای بررسی اسناد این روایات می‌توان به دست آورد.

درباره پیشینه این پژوهش باید گفت اگرچه تحقیقات بسیاری درباره آثار ابن‌ابی‌جمهور احسانی صورت گرفته و «جمعیة ابن‌ابی‌جمهور لاحیاء التراث» به تحقیق و چاپ گسترده آثار وی پرداخته است، اما تا آنجا که نویسنده تتبع نموده، بازشناسی روایات اهل سنت، به رغم انتقاداتی که در این زمینه بر ابن‌ابی‌جمهور وارد است، تاکنون به صورت مستقل مورد توجه حدیث‌پژوهان قرار نگرفته است.

نوآوری این مقاله از آن جهت است که تاکنون در هیچ یک از پژوهش‌های حدیثی به مطابقت حداکثری و درج بیشتر احادیث ابن‌قتیبه در کتاب عوالی اللنالی و در نتیجه راه یافتن بسیاری از این روایات در منابع حدیثی پس از آن، با نام احادیث شیعه توجه نشده است.

با این توصیف، این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این سوالات است که چه میزان از روایات ابن‌قتیبه در کتاب عوالی اللئالی راه پیدا کرده‌است؟ علت توجه به این روایات از دیدگاه ابن‌ابی‌جمهور احسانی، به عنوان نخستین محدثی که این روایات را در متون شیعی وارد کرده چیست؟ با این توضیحات نخست زندگانی ابن‌ابی‌جمهور و ابن‌قتیبه و کتب مذکور را به طور مختصر شرح می‌دهیم و سپس به سوالات فوق پاسخ خواهیم داد.

ابن‌قتیبه دینوری

ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (۲۱۳-۲۷۶ ق.) نویسنده و دانشمند بزرگ، در عصر عباسی می‌زیست (ابن خلکان، ۴۲/۳). متأسفانه از زندگی وی اطلاعات زیادی در دست نیست. او در کوفه (ابن ندیم، ۸۵) یا بغداد (خطیب بغدادی، ۱۶۸/۱۰) دیده به جهان گشود و چون مدتی در دینور قاضی بود، دینوری خوانده شد (ابن ندیم، ۸۵). ابن‌قتیبه در دوران رشد و شکوفایی بغداد در آن دیار می‌زیست و از این رو، فضای علمی بغداد در آن روزگار، در تکوین شخصیت علمی او نقش بسزایی داشت. او در علوم مختلفی مانند علوم قرآن، حدیث، فقه، تاریخ، لغت و ادبیات عرب صاحب نظر شد و کتاب‌های فراوانی در موضوعات گوناگون از خود برجای گذاشت. در منابع حدود ۴۷ کتاب با ذکر نام به او نسبت داده شده‌است که مهمترین آنها عبارتند از: المعارف، عیون الأخبار، غریب الحدیث، تأویل مختلف الحدیث، الامامة و السياسة و غیره (همانجا).

از آثار ابن‌قتیبه و سخن تذکره نویسان درباره او برمی‌آید که او از اهل سنت با گرایش اهل حدیث و مخالف معتزله بوده و در فقه مذهب حنبلی داشته است (برای آگاهی بیشتر رک. لو کنت، ۱۶۵-۱۷۸).

ابن‌قتیبه از استادانی مانند ابن‌راهویه، ابوحاتم سجستانی، محمد بن زیاد زبیدی، ریاشی و... بهره برد و شاگردانی مانند فرزندش احمد، عبیدالله بن عبدالرحمن، صائغ، ابن‌درستویه و... تربیت کرد (خطیب بغدادی، ۱۶۸/۱۰).

ابن‌ابی‌جمهور احسانی

محمد بن ابی‌جمهور احسانی (نیمه اول قرن ۹ - بعد از ۹۱۲ ق.) از علمای صاحب نظر شیعه و فقیه و متکلم و محدث و عارف بزرگ است. وی در احساء (قطیفی، ۲۱۱/۱۴) یا لحصا (شوشتری، ۵۸۱/۱) واقع در عربستان متولد شد و علوم شرعی و ادبی را در شهر خود تحصیل کرد. او سال‌ها در نجف اشرف، مدتی در جبل عامل و در پایان عمر در خراسان به تحصیل علم اشتغال داشت و از محضر اساتید بزرگی همچون

شیخ شرف‌الدین حسن بن عبدالکریم فتال غروی و شیخ الاسلام علی بن هلال جزایری بهره جست (همانجا).

از ابن ابی‌جمهور کتاب‌های متعددی در کلام، فقه، اصول، حدیث، عرفان و اخلاق باقی است که تعداد آن را بیش از ۴۰ اثر برشمرده‌اند و مهمترین آن‌ها عبارتند از: عوالی اللآلی، الاقطاب الفقهية و الوظائف الدينية على مذهب الامامية، بداية النهاية فى الحكمة المشرقية، المجلى، التحفة الكلامية، التعليقة على اصول الكافي وغيره (رک. غفرانی، سراسر اثر).
احسانی در مناظره با علمای اهل سنت متبحر و موفق بود. او شرح مناظرات خود با علمای سنی هرات را در رساله‌ای نوشته‌است (حر عاملی، ۲/۲۵۳).

تأویل مختلف الحدیث

ابن قتیبه در کتاب تأویل مختلف الحدیث به حل روایات متعارض دست یازید. وی در این اثر دیدگاه‌های اهل تجسیم، معتزله و عقل‌گرایان را رد کرد و کتاب را با هدف دفاع از سنت و عقاید اسلامی تدوین نمود (رک. ابن قتیبه، ۴۱-۷۵).
وی در مقدمه کتاب، پیش از ذکر احادیث متعارض، عقاید و نزاع متکلمان عصر خود را به تصویر می‌کشد و سپس به ذکر احادیث و رفع تعارض آنها می‌پردازد. او به سند روایات کتاب توجهی ندارد و عمدتاً سلسله سند را نقل نمی‌کند. وی اختلاف و تعارض روایات را با عناوینی نظیر «قالوا حدیثان متناقضان»، «قالوا حدیث یدفعه النظر و حجة العقل»، «قالوا حدیث یکذبه العیان»، «قالوا حدیث یکذبه النظر و الخبر»، «قالوا حدیث یکذبه القرآن من جهتين» ذکر می‌نماید و سپس دلایل خود را در رد تعارض احادیث با عنوان «قال ابو محمد» بیان می‌کند (برای آگاهی بیشتر رک. فتاحی زاده و معتمد، ۱-۳۶).
این کتاب با چاپ‌های متفاوتی در دسترس است. استناد ما در این مقاله به چاپ سلیم بن عبدالهلالی سلفی است. وی احادیث کتاب را به ترتیب شماره‌بندی کرده و در مجموع ۱۰۸ عنوان روایت شماره کرده‌است.

عوالی اللآلی و طرق ابن ابی‌جمهور

کتاب عوالی اللآلی که بعضی آن را عوالی اللسالی خوانده‌اند (نوری، ۱/۳۴۴؛ آقا بزرگ طهرانی، ۷۱/۱۶)، مهمترین اثر حدیثی ابن ابی‌جمهور احسانی است که به دلیل اهمیت آن از دیدگاه وی، خلاصه آن

را با نام مجیب النداء (التوالی الی منتخبات العوالی) عرضه کرده و نسخه خطی آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۶۹۳ موجود است.

وی کتاب را در قالب یک مقدمه و دو باب و یک خاتمه تنظیم کرده است:

مقدمه کتاب شامل ده فصل است و فصل نخست به بیان طرق وی اختصاص داده شده است.

باب اول با عنوان «فی الاحادیث المتعلقة بابواب الفقه الغیر المرتبة بترتیب ابوابه» در چهار «مسلك»

منعقد شده و احادیث مرتبط با هر مسلك گرد آوری شده است:

مسلك اول در ذکر احادیثی است که بعضی از دانشمندان گذشته درباره جایگاه اهل بیت (ع) ذکر

کرده اند؛

مسلك دوم در ذکر احادیثی است که با مصلحت های دینی مرتبط است؛

مسلك سوم شامل احادیث مرتبط با فقه است شهید اول در بعضی از آثارش نقل کرده است؛

مسلك چهارم شامل احادیثی است که فاضل مقداد ذکر کرده است.

باب دوم با عنوان «الاحادیث المتعلقة بابواب الفقه» احادیث مهم در باره هر یک از ابواب فقهی

از طهارت تا حدود و دیات را شامل می شود. این باب در دو قسم منعقد شده است: قسم اول حاوی

احادیثی است که فخر المحققین و جمال المحققین نقل کرده اند؛ و قسم دوم در بردارنده احادیثی است که

ابن فهد حلی و محقق حلی نقل کرده اند.

در خاتمه کتاب نیز، روایات متفرقه در دو بخش احادیث معرفتی و اخلاقی و

بعضی کرامات امیرالمؤمنین (ع) درج شده است.

آنچه از مجموع کتاب مورد توجه این مقاله قرار دارد، عباراتی از احسانی در مقدمه است که با شیوه وی

در برخی مواضع کتاب ناهمخوان است. توضیح آن که شیوه ابن ابی جمهور در تألیف روایات کتاب، حذف

سندها و بیان طرق خویش در مقدمه بوده است. او در مقدمه کتاب هفت طریق خود را به تفصیل بیان کرده

و در این باره نوشته است: «الفصل الأول فی کیفیت إسنادی و روایتی لجمع ما أنا ذاکره من الأحادیث فی

هذا الكتاب و لی فی ذلك طرق...» (ابن ابی جمهور، عوالی، ۵/۱).

این هفت طریق که ابن ابی جمهور به تفصیل آنها را می آورد، همگی به علامه حلی ختم می گردد

(همان، ۵/۱-۱۱).^۱ وی در ادامه به پنج طریق علامه حلی تا شیخ طوسی نیز اشاره می کند، اما آن گونه که از

^۱ - فهذه الطرق السبعة المذكورة [لي] جميعها تنتهي عن المشايخ المذكورين إلى الشيخ جمال المحققين ثم منه ينتهي الطريق إلى الأئمة المعصومين إلى رسول رب العالمين بطرقه المعروفة له عن مشايخه الذين أخذ عنهم الرواية المتصلة بأئمة الهدى (ع) المنتهي إلى جدهم عليه أفضل الصلوات وأكمل التحيات. فمن طرق أن الشيخ جمال المحققين رحمه الله يروي عن ... ومنها أنه رحمه الله يروي عن ... فجميع هذه الطرق لجمال المحققين تنتهي إلى شيخ الطائفة ومحدثهم و فقيهم أعني الشيخ محمد بن الحسن الطوسي وهو أعني الشيخ يروي عن الأئمة الطاهرين. و له في روايته طريقان ... و هنا طريق آخر ... فهذه الطرق و بما اشتملت عليه من الأسانيد المتصلة المنعنة الصحيحة الإسناد المشهورة الرجال بالعدالة و العلم و صحة الفتوى و صدق اللهجة أروي جميع

عبارت وی با استفاده از لفظ «و منها...» فهمیده می‌شود (همانجا)، در مقام برشمردن همه طرق علامه حلی نبوده است. ضمن آن که با مراجعه به آثار دیگر می‌توان دریافت که تعداد طرق علامه حلی تا شیخ طوسی منحصر به این تعداد نیست. به عنوان نمونه علامه حلی در خاتمه خلاصه الاقوال (۲۸۲) به دو طریق دیگر نیز از خود تا شیخ طوسی اشاره کرده که ابن ابی جمهور آنها را ذکر نکرده است.

بررسی فصل چهارم مقدمه کتاب با عنوان «الفصل الرابع في ذكر أحاديث رويتها بطريقي المذكورة محذوفة الإسناد اعتمادا على الإسناد المذكور أولا وهي كلها تنتهي إلى الرسول (ص)» (ابن ابی جمهور، عوالمی، ۱/۳۰-۸۰) ما را به این مطلب واقف‌تر می‌کند و مقصد اصلی این پژوهش نیز بررسی همین فصل است.

با بررسی روایات این فصل به دست می‌آید که طرقی که ابن ابی جمهور در ابتدای کتاب برشمرده است برای این فصل کافی نیست. لذا باید نخست طرق مختلف علامه حلی مورد بررسی قرار گیرد. آنچه از مطالعه طرق علامه حلی به دست می‌آید این است که علامه به منابع مختلف، طرق متفاوتی داشته است. به عنوان نمونه علامه مجلسی (۷۵/۱۰۴) در فصلی درباره طرق علامه حلی، به طور خاص، طرق وی از عامه را نیز آورده و در بیان طریق او به کتب ابن قتیبه نوشته است:

«و من ذلك جميع كتب ابن قتيبه و مصنفاته و رواياته بالإسناد المقدم عن أبي الحسن سعد الخير عن أبي الحسين المبارك بن عبد الجبار عن أبي طاهر محمد بن علي بن عبد الله السماك عن عبد الله الحسين بن المظفر عن أبي محمد عبد الله بن جعفر بن درستويه النحوي عن أبي محمد عبد الله بن قتيبه المصنف».

مجلسی (۵۱/۱۰۶، ۶۳) در جای دیگری چنین آورده است:

«و بقي الكلام في طرق الرواية عن أهل الخلاف و بعض من تقدم من علماء أصحابنا الذين لم نقف على طريق الرواية عنهم إلا برجال العامة كابن السكيت فنقول يروى العلامة ... جميع كتب ابن قتيبه و رواياته عن والده عن السيد فخار عن عميد الرؤساء عن ابن العصار عن أبي الحسن سعد الخير عن أبي الحسن المبارك بن عبد الجبار عن أبي طاهر محمد بن علي بن عبد الله السماك عن أبي عبد الله الحسين بن المظفر عن أبي محمد عبد الله بن جعفر بن درستويه النحوي عن أبي محمد عبد الله بن قتيبه».

بنابراین چنان که ملاحظه شد ابن ابی جمهور به هر دلیلی که برای ما روشن نیست، از بیان طرق علامه

ما از وی و احکامیه من احادیث الرسول و أمة الهدى عليه و عليهم أفضل الصلاة و السلام المتعلقة بالفقه و التفسير و الحكم و الآداب و المواعظ و سائر فنون العلوم الدنیویة و الآخرویة بل و به آروى جميع مصنفات العلماء من أهل الإسلام و أهل الحكمة و آقاویلهم في جميع فنون العلم و فتاویهم و احکامهم المتعلقة بالفقه و غيره من السير و التواريخ و الاحادیث. فجميع ما أنا ذاکره في هذا الكتاب من الاحادیث النبویة و الإمامیة طریقى في روايتها و إسنادها و تصحيحها هذه الطرق المذكورة عن هؤلاء المشايخ المشهورين بالعلم و الفضل و العدالة و الله ملهم الصواب و العاصم من الخطأ و الخطل و الاضطراب» (ابن ابی جمهور، عوالمی، ۱۱۱).

به اهل سنت خودداری ورزیده است و آن گونه که در ادامه نیز خواهیم دید، به مأخذ سنی این قبیل روایات که شمار آنها در مجموع کتاب فراوان است، نیز به ندرت اشاره کرده است. حتی در موردی که تأویل ابن-قتیبه را آورده است، فقط نوشته است: «هكذا قال بعضهم في تأويل هذا الحديث» (ابن ابی جمهور، عوالی، ۴۹/۱). همین امر باعث ایراد و اشکال بر کتاب شده و از اعتبار آن کاسته است.

مطلب دیگری که نشان می دهد او در این مقدمه به طور کامل در مقام بیان همه طرق خویش نبوده است، واژه «امثلهم» در توضیح مشایخ ابن نما است: «...عن الشيخ نجيب الدين محمد بن نما و هو يروي عن جماعة أمثلهم...» (همان، ۱۱/۱). یعنی وی تنها به برخی از مشایخ ابن نما اشاره کرده است. نکته دیگری که از سطور پایانی فصل اول مقدمه ابن ابی جمهور به نظر می رسد این است که وی طرقی را که به آنها اشاره کرده و روایاتی را که از این طرق نقل نموده، صحیح الاسناد و متصل و معنعن فرض کرده که از رجال مشهور به علم و عدالت و صاحبان فتوای صحیح نقل شده و به نوعی با عبارت «هؤلاء المشايخ المشهورين بالعلم والفضل والعدالة» (همان، ۱۴/۱) توثیق عامی را برای همه آنها آورده است. بنا بر این با توجه به آنچه از فصل اول این مقدمه به دست می آید این است که ابن ابی جمهور اگرچه روایان کتاب خود را توثیق عام کرده، اما به طور کامل به همه طرق اشاره نکرده است.

مقایسه تأویل مختلف الحدیث و عوالی اللئالی

به طور کلی اگر کتاب ابن قتیبه را مبنا قرار دهیم و روایات فصل چهارم کتاب عوالی را با آن مقایسه کنیم، این تصویر کلی را به دست می آوریم:

تعداد روایات موضوعی و دسته بندی شده تأویل مختلف الحدیث ۱۰۸ روایت در کل کتاب است که در ذیل فصلی با عنوان «ذكر الاحاديث التي ادعوا عليها التناقض والاحاديث التي تخالف عندهم كتاب الله تعالى والاحاديث التي تخالف عندهم كتاب الله تعالى» (همان، ۳۶-۱) آمده است.

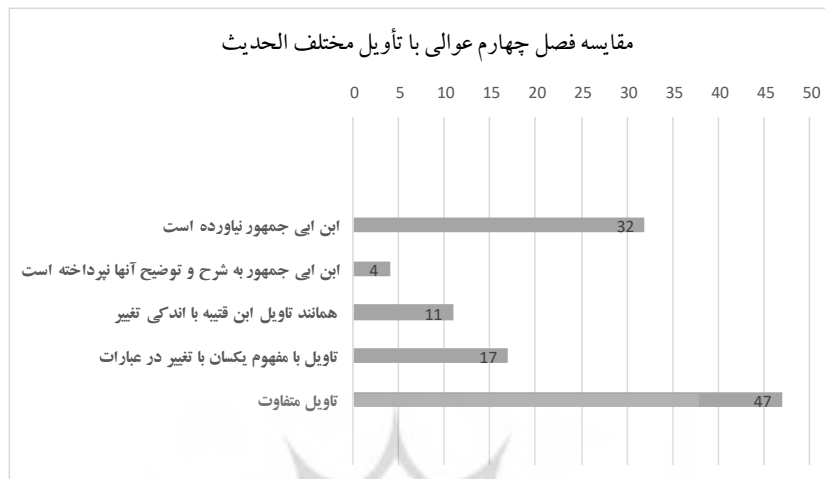
شیوه وی بدین صورت است که یک یا چند روایت را مبنا قرار داده و سپس آنچه را که به نظر معارض با آن مجموعه روایات، اعم از آیات، روایات، اجماع، عقل و قیاس بوده، آورده است و سپس در مقام تأویل آنها برآمده و با استفاده از روش های حل تعارض میان اخبار به رفع تعارض اقدام کرده است (رک. فتاحی زاده و معتمد، ۱-۳۶).

ابن ابی جمهور در فصل چهارم عوالی یک یا چند روایت از هر موضوعی را که ابن قتیبه آورده است، انتخاب نکرده و به شرح و یا رفع تناقض مختصر آنها در حاشیه پرداخته است. شیوه ابن ابی جمهور همانند

ابن قتیبه آن گونه نیست که فقط احادیثی را که ادعای تعارض در مورد آنها مطرح بوده است نقل کند، بلکه وی از هر موضوع یک یا چند روایت را انتخاب کرده است، البته بدون آن که همچون ابن قتیبه به دسته بندی دقیق روایات پردازد؛ بلکه چند روایت را با ترتیب کتاب ابن قتیبه ذکر کرده است. حال ممکن است معارض آن را آورده باشد یا تنها به شرح مختصر آن روایت اکتفا کرده یا این که اصلاً هیچ توضیحی برای آن نیاورده و تنها به بیان متن آن پرداخته باشد.

به طور خلاصه در یک نگاه اجمالی تأویل مختلف الحدیث را با فصل چهارم مقدمه عوالی اللئالی این گونه می توان مقایسه کرد:

<p>۱- احادیثی که ابن ابی جمهور ذکر نکرده است: ۳۲ فقره (شماره: ۱، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۷، ۲۹، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۵۶، ۵۷، ۶۹، ۷۹، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۱۰۸)</p>	<p>نحوه برخورد و آمار احادیث عوالی اللئالی</p>
<p>۲- احادیثی که ابن ابی جمهور شرح و توضیح نداده است: ۴ فقره (شماره: ۲۳، ۲۴، ۶۶، ۷۶)</p>	<p>با احادیث کتاب ابن قتیبه، بر مبنای</p>
<p>۳- ابن ابی جمهور تاویل ابن قتیبه را با عین عبارات وی یا فقط با اندکی تغییر در عبارت آورده است: ۱۱ فقره (شماره: ۲۰، ۴۹، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۹۰)</p>	<p>شمارش کتاب تأویل مختلف الحدیث:</p>
<p>۴- ابن ابی جمهور همانند ابن قتیبه با یک مفهوم به تأویل احادیث پرداخته و فقط عبارت را تغییر داده است: ۱۷ فقره (شماره: ۳، ۴، ۱۳، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۴۷، ۵۱، ۶۴، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴)</p>	
<p>۵- ابن ابی جمهور تاویلی متفاوت با ابن قتیبه آورده است: ۴۷ فقره (شماره: ۲، ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۲، ۴۳، ۴۶، ۵۱، ۵۲، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۷، ۶۸، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷)</p>	



چنان‌که ملاحظه می‌شود، بیشترین موارد از تأویلات ابن ابی جمهور مواردی است که ابن ابی جمهور علی‌رغم آن‌که روایات ابن‌قتیبہ را آورده، اما با تأویلی متفاوت به جمع و توضیح آنها پرداخته است. البته ناگفته نماند که هدف اصلی ابن ابی جمهور در کتاب عوالی تأویل روایات نبوده و تنها نقل آنها را مد نظر داشته است. زیرا این تأویلهای در پاورقیهای کتاب به چاپ رسیده و ظاهراً حاشیه‌های وی بر اصل کتاب بوده است. بدین جهت هنگامی که این دو اثر را به تفصیل مقایسه کنیم و شیوه‌های جمع و تأویل اخبار را مورد واکاوی قرار دهیم، ملاحظه خواهیم کرد که تأویلات ابن‌قتیبہ با اصول علم مختلف الحدیث سازگارتر است و تأویلات مفصل‌تری ارائه داده است. البته این به مفهوم این نیست که تأویلات ابن ابی - جمهور از دقت کافی برخوردار نیست، بلکه تأویلات او نیز در موارد بسیاری، علی‌رغم اختصار، خواننده را به مقصود متن رهنمون می‌کند.

مطالعه موردی و تطبیقی برخی روایات

به منظور تبیین دقیق‌تر مطالب، به نظر می‌رسد که بیان نمونه‌هایی از کتاب عوالی و مقایسه آن با کتاب ابن‌قتیبہ خالی از لطف نباشد. از این رو، برای هر یک از موارد فوق یک یا چند نمونه را توضیح می‌دهیم:

- نمونه مواردی که ابن ابی جمهور در کتاب خود ذکر نکرده است:

مطالعه مواردی که ابن ابی جمهور در کتاب خود نیآورده است، نشان می‌دهد که وی به اختلافات مذهبی میان شیعه و عاقله توجه داشته و مواردی را که برای آنها توجیه و تأویلی مطابق با اعتقادات شیعه

نیافته، در کتاب خود نیاورده است. نظیر روایاتی که با عصمت انبیا یا برخی مبانی شیعه مانند نپذیرفتن قیاس در تضاد بوده است. نمونه:

- روایاتی که با عصمت در تضاد است:

یکی از مواردی که ابن ابی جمهور در کتاب عوالی نیاورده، روایتی است که به داستان «شق الصدر» یا «غسل القلب» معروف است (ابن قتیبه، ۲۸۵) و به معنای شکافتن سینه و شستن قلب است که به ماجرای درباره پیامبر اکرم (ص) در منابع اهل سنت اشاره دارد و بنا بر آن، فرشتگان قلب پیامبر اکرم (ص) را از سینه درآوردند و از پلیدی پاک کردند و دوباره در جای خود نهادند. محدثان شیعه عمدتاً این روایات را نپذیرفته اند و آنان که آن را نقل کرده اند یا مانند علامه طباطبایی از باب تشبیه و تمثیل یا همچون علامه مجلسی از باب نقل وقایع شگفت آن را نقل کرده اند (برای اطلاعات بیشتر رک. کربلایی پازوکی، ۱۱۲-۱۲۷).

- روایاتی که ابن قتیبه (۲۸۵، ۳۴۰-۳۵۷) آنها را مخالف قیاس دانسته و ابن ابی جمهور به دلیل نپذیرفتن قیاس در مکتب شیعه از نقل آنها خودداری کرده است.

- روایت «انا معاشر الانبیاء لانورث، ما ترکناه صدقة» (همان، ۲۶۲-۲۶۹). این روایت از دیدگاه شیعه برای توجیه غضب و مصادره فدک از سوی ابوبکر مطرح شد و شواهد و قرائن متعددی دال بر موضوع و مجعول بودن آن وجود دارد. ابن ابی جمهور چون این روایت را با مبانی اعتقادی شیعه در تضاد دانسته، آن را در کتاب خویش نیاورده است (برای آگاهی بیشتر رک. بستانی، ۸۱-۹۵).

- نمونه مواردی که ابن ابی جمهور به شرح و توضیح آنها پرداخته است:

ابن ابی جمهور در ۴ مورد تنها به ذکر روایت اکتفا کرده و روایت معارض یا توضیح و تأویلی درباره آن ذکر نکرده است. مانند روایت: «الجار احق بصقبه» و «جار الدار، احق بدار الجار الارض» (ابن قتیبه، ۴۲۵؛ ابن ابی جمهور، عوالی، ۵۸/۱).

- نمونه روایاتی که ابن ابی جمهور دقیقاً عبارات ابن قتیبه را با اندکی تغییر آورده است:

در این موارد ابن ابی جمهور عمدتاً بخشی از عبارات ابن قتیبه را دقیق نقل کرده و بخش دیگر را طبق شیوه مرسوم خود که تأویل و توضیح مختصر روایات است، حذف نموده و در برخی موارد تأویلاتی بدان افزوده است. برای توضیح بیشتر اگر به عنوان نمونه این متن تأویل مختلف الحدیث و عوالی با هم مقایسه شود، خواهیم دید که عبارات دو کتاب دقیقاً مشابه یکدیگر است:

متن تأویل مختلف الحدیث:

«قالوا: حدیثان متناقضان:

قالوا: رویتم: «ان رسول الله (ص) قَضَى أَنْ الْخَرَجَ بِالضَّمَانِ»؛ یرید العبد یشتریه مشتریہ فیستغله حینا ثم یشتر علی عیب بہ فیرده بالعیب، إنه لا یرد ما صار إلیه من غلته و هو الخراج؛ لأنه کان ضامنا له و لو مات مات من ماله.

ثم رویتم أنه قال: «مَنْ اشْتَرَى مُصْرَاةً فَهُوَ بِالْخِيَارِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِنْ شَاءَ رَدَّهَا وَرَدَّ مَعَهَا صَاعًا مِنْ طَعَامٍ». قالوا: و هذا مخاف للحکم الاول؛ لان الذی أخذہ من لینها غلته، و لأنه کان ضامنا لو ماتت الشاة ماتت من ماله؛ فهو و الخراج بالضمان سواء لا فرق بینهما» (ابن قتیبه، ۴۲۳-۴۲۴).

متن عوالی اللئالی:

«وَرُوِيَ عَنْهُ (ص) «أَنَّ قَضَى بِأَنَّ الْخَرَجَ بِالضَّمَانِ».

و معناه أن العبد مثلا یشتریه مشتریہ فیغتلہ حینا ثم یشتر علی عیب بہ فیرده بالعیب أنه لا یرد ما صار إلیه من غلته و هو الخراج لأنه کان ضامنا له و لو مات مات من ماله. وَ رُوِيَ فِي الْمُصْرَاةِ أَنَّهُ «مَنْ اشْتَرَى مُصْرَاةً فَهُوَ بِالْخِيَارِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِنْ شَاءَ رَدَّهَا وَرَدَّ مَعَهَا صَاعًا مِنْ طَعَامٍ» (ابن ابی جمهور، عوالی، ۵۷/۱).

چنان که ملاحظه می شود این سخن ابن ابی جمهور دقیقا نظیر کلام ابن قتیبه است، با این فرق که ابن-قتیبه مطالب بیشتری در تأویل این دو روایت آورده است، اما ابن ابی جمهور به همین میزان اکتفا کرده است. شایان ذکر است که ابن ابی جمهور در حاشیه نسخه خطی منتخب عوالی (۱۱) توضیحات متفاوتی در تأویل این دو حدیث آورده و حدیث دوم را مخصص حدیث اول شمرده است.

- نمونه مواردی که ابن ابی جمهور عبارات ابن قتیبه را تغییر داده اما همان مفهوم را بیان کرده است:

در شرح حدیث «نية المؤمن خير من عمله» (نیت مؤمن از عمل او برتر است)، ابن ابی جمهور و ابن-قتیبه هر دو به این مطلب با عبارات متفاوت اشاره کرده اند که خداوند مومن را بر اساس نیت او در بهشت جاودان می گرداند، زیرا اگر عمر جاوید داشت همواره در طاعت خداوند بود و چنین نیتی برتر از عمل است و کافر نیز نیش بدتر از عملش است زیرا اگر در دنیا عمر جاودانه می یافت بر کفر و عنادش ادامه می داد. بنابراین، بر اساس نیت، اهل بهشت در بهشت جاودانه خواهند بود و اهل دوزخ در آتش (ابن قتیبه، ۲۹۰؛ ابن ابی جمهور، عوالی، ۳۷/۱).

- نمونه مواردی که ابن ابی جمهور تأویل متفاوتی آورده است:

- یکی از نمونه ها تأویل حدیث نبوی ذیل از ابن قتیبه (۳۹۵) است:

«قَلْبُ الْمُؤْمِنِ بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ» (قلب مومن میان دو انگشت خداوند رحمان است).

ابن ابی جمهور (عوالی، ۴۹/۱) بعد از آن که تأویل ابن قتیبه را - بدون اشاره به نام وی - بیان کرده، چنین نوشته است که «حمل حدیث بر تأویل غیر معلوم، خروج از قاعده تأویل است». سپس در ادامه «اصبع» را بر اثر قدرت الهی حمل کرده و مراد از اصبعین را همان اثر خوف و رجا دانسته است که همواره باید در قلب مؤمن باشد.

- یکی دیگر از روایاتی که ابن ابی جمهور به دلیل مخالفت در مذهب با ابن قتیبه، معارض های آن را با قاطعیت رد کرده، روایت ذیل است:

«ان عَلِيًّا (ع) قَالَ: بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى أَهْلِ الْيَمَنِ لِأَقْضِي بَيْنَهُمْ. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، بَعَثْتَنِي وَأَنَا شَابٌّ لَا عِلْمَ لِي بِالْقَضَاءِ؟ فَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى صَدْرِي، فَقَالَ: اللَّهُمَّ اهْدِ قَلْبَهُ وَسَدِّدْ لِسَانَهُ. فَمَا شَكَكْتُ فِي قَضَاءٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ حَتَّى جَلَسْتُ مَجْلِسِي هَذَا» (علی (ع) گفت: پیامبر خدا (ص) مرا برای قضاوت به یمن فرستاد. گفتم: ای پیامبر خدا! مرا که جوانم و به قضا ناآگاهم می فرستی؟ پیامبر دست به سینه من زد و گفت: «خدایا! قلب او را هدایت کن و زبانش را استوار بدار [حکم حق را بر زبانش جاری گردان]. از آن پس تاکنون که این جا نشسته ام در قضاوت میان دو نفر هرگز شک و تردید به دل راه نداده ام (عوالی، ۳۸/۱).

ابن ابی جمهور درباره این حدیث با قاطعیت بر این باور است که معارضی ندارد و آنچه بعضی از محدثان درباره نسبت شک و تردید به امیر مؤمنان (ع) نقل کرده اند، از احادیث جعلی است که سندی ندارد و دشمنان ایشان از بنی امیه آنها را ساخته و پرداخته اند (همان).

روایت دیگر از این مقوله چنین است: «سَيَكُونُ بَعْدِي عَلَيْكُمْ أَيْمَةٌ إِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ وَعَوَيْتُمْ وَإِنْ عَصَيْتُمُوهُمْ صَلَّيْتُمْ».

ابن ابی جمهور (عوالی، ۴۷/۱) مصداق این روایت را سران ظلم و جور از حاکمان بنی امیه و بنی عباس دانسته که اطاعت ایشان سبب گمراهی شده و مخالفت با آنان به هلاکت مخالفت کننده انجامیده است. در حالی که ابن قتیبه به سبب هم مذهبی با خلفا برای این روایت مصداقی ذکر نکرده است.

نمونه دیگر روایات منع کتابت حدیث است که ابن ابی جمهور (عوالی، ۶۸/۱) آنها را بر منع کتابت روایاتی که مخالف با قرآن است حمل کرده است. در حالی که ابن قتیبه یا آن را از باب نسخ سنت به سنت و یا اختصاص نهی به یک فرد دانسته است (ابن قتیبه، ۳۹۵). شایان ذکر است که این روایات نیز از موارد اختلافی بین شیعه و سنی است که معرکه آراء محدثان قرار گرفته و جریان منع تدوین حدیث از همین روایات سرچشمه گرفته است.

علت توجه ابن‌ابی‌جمهور به احادیث اهل سنت

در خصوص علت توجه ابن‌ابی‌جمهور به مجموعه احادیث اهل سنت می‌توان گفت که از مقدمه وی بر عوالی برمی‌آید که او در صدد برآمده است تا به گمان خویش، شبهه قطع ارتباط شیعه با احادیث اهل سنت و پیامبر اکرم (ص) را پاسخ دهد و احادیث مشترک بین فریقین را جمع‌آوری کند. او در مقدمه عوالی (۱۶/۱) می‌نویسد: «نظر به آن‌که مخالفان بر شیعه استیلا یافته و با شبهه‌افکنی به ایشان باورنדה‌اند که در مرویات امامیه مشابه مطالب اهل سنت یافت نمی‌شود و ارتباط میان ایشان و احادیث نبی مکرم قطع است، بر آن شدم تا این جهل را برطرف نموده و تالیفی در این باب ارائه کنم».

مرعشی نجفی (۴۰) نیز در پاسخ به ایراد نقل روایات عامه این نکته را متذکر شده‌است که هدف ابن‌ابی‌جمهور از آوردن این اخبار، نشان دادن این مطلب بوده‌است که روایات شیعه در منابع عامه نیز نقل گردیده‌است، مضاف بر این‌که معیار حجیت خبر، وثوق به صدور آن است، حال راوی آن هر که باشد.

اگرچه ابن‌ابی‌جمهور با این هدف به سراغ احادیث اهل سنت رفته‌است، اما بررسی حداقل فصل چهارم عوالی نشان می‌دهد که تلاش وی ناموفق بوده و بسیاری از روایاتی را که وی نقل کرده‌است تنها ماخذ سنی داشته و در هیچ یک از منابع روایی شیعی نیامده‌است. پس از وی نیز این روایات با اتکا به کتاب وی در منابع حدیثی متأخر از آن نقل شده‌است.

نکته‌ای که در این زمینه به نظر می‌آید آن است که این حرکت ابن‌ابی‌جمهور شاید در واکنش به نوع تعامل عالمان حله و جبل عامل با حدیث موثق باشد. توضیح آن‌که موثق خبری است که همه حلقات سند آن، از سوی امامیه توثیق شده باشند، اگرچه بعضی از افراد سلسله سند غیر امامی باشند و وجه اختلاف حدیث صحیح و موثق در همین نکته است (شهید ثانی، الرعاية، ۱۶۹/۱). مکاتب حله و جبل عامل که از قرن ششم تا نیمه قرن یازدهم قمری فعالیت داشتند، برخلاف پیشینیان خود (برای نمونه رک. طوسی، ۱۵۰/۱)، روایات موثق را خالی از ضعف نمی‌دانستند و حکم به طعن و قصور در بسیاری از این‌گونه روایات می‌کردند (برای آگاهی از دیدگاه‌ها برای نمونه رک. ابن‌طاووس، ۱۵-۱۶، ۲۲۶، ۳۳۴، ۶۲۵؛ محقق حلی، المعتمر، ۱۲۵/۱؛ ۳۵۰/۲؛ همو، معارج، ۱۴۹؛ فاضل آبی، ۲۹۹/۱؛ ۱۳۱/۲؛ علامه حلی، مبادی، ۲۰۶؛ شهید ثانی، مسالک، ۲۵۴/۱۰، ۲۹۲؛ ۸۴/۱۴، ۳۰۶؛ شهید اول، ۳۲۴/۱، ۳۲۸؛ ۱۶۴/۴-۱۶۵، ۴۳۹-۴۴۰؛ محقق کرکی، ۱۵۲/۱۲-۱۵۳؛ موسوی عاملی، ۱۰۷/۱، ۱۳۲؛ ۲۴۱/۲، ۳۹۶-۳۹۷؛ ابن‌شهید ثانی، ۲۰۰). حتی روایات برخی اصحاب اجماع را که غیر امامی باشند، نمی‌پذیرند (محقق کرکی، ۸۰-۷۹/۲، ۱۲۷؛ ۲۷/۱۳؛ شهید ثانی، مسالک، ۹/۹؛ ۵۱۳/۱۲؛ همو، الروضه، ۳۸/۶-۳۹). در

میان این عالمان تنها شیخ بهایی (۸۱) که تقریباً معاصر با ابن‌ابی‌جمهور است، قائل به پذیرش احادیث موثق بوده و روایات راویان غیر امامی مشهور به وثاقت را پذیرفته‌است.

بنابراین، برجسته‌ترین نشان سخت‌گیری عالمان عاملی در ارزیابی احادیثی که بین همه ایشان مشترک است، معتبر ندانستن حدیث موثق است و واکنش در برابر این مسأله که مهم‌ترین چالش مدرسه جبل عامل به شمار می‌آید، پیدایش اخباری‌گری در جامعه تشیع بود.

بدین ترتیب، آن‌گونه که از خط مشی کلی حاکم بر نگاه ابن‌ابی‌جمهور به مجموعه احادیث به دست می‌آید، او علی‌رغم معاصر بودن با برخی علمای مکتب جبل عامل، ظاهراً با نگاه اخباری به روایات نگرسته و هر گونه حدیثی را که از نظر وی وثوق به صدور آن یافته، نقل کرده‌است. بنابراین شاید بتوان گفت که زمینه‌سازی رویکرد اخباری به روایات از همین دوره با پیشتازی افرادی نظیر ابن‌ابی‌جمهور آغاز شد. چرا که یکی از مشخصه‌های جریان اخباری‌گری نوع تعامل با روایات است که مشابهت فراوانی از جهت تساهل در نقل روایات، میان رویکرد ابن‌ابی‌جمهور و جریان اخباری‌گری می‌توان ملاحظه کرد.^۱

علت توجه ابن‌ابی‌جمهور به کتاب تأویل مختلف الحدیث

علت آن‌که ابن‌ابی‌جمهور کتاب تأویل مختلف الحدیث را به طور مشخص انتخاب کرده‌است می‌تواند از این جهت باشد که او در پی آن بوده‌است تا راه حل‌های رفع تناقض احادیث را بیان کند و در این میان بهترین اثری که بدین منظور یافته، اثر ابن‌قتیبه بوده‌است. ابن‌ابی‌جمهور از مدافعان نظریه «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» است و حتی برخی او را مبتکر این قاعده دانسته‌اند (نک. الشخص، ۱۴۲-۱۳۹). او در کتاب عوالی اللئالی (۱۳۶/۴-۱۳۷) در خصوص راه‌های رفع تعارض اخبار بر این باور است که تا حد امکان، جمع میان دو دلیل متعارض و عمل به هر دو آن‌ها، بهتر از کنار نهادن هر دو یا یکی از آن‌هاست و حتی بر ترجیح جمع میان روایات، ادعای اجماع می‌نماید.

از این رو، توجه به کتاب ابن‌قتیبه به طور تفصیلی و بیان راه‌حل‌های رفع تعارض میان اخبار مورد عنایت ابن‌ابی‌جمهور قرار گرفته‌است. البته باید توجه داشت ابن‌ابی‌جمهور آن‌گونه که پیش از این نیز ملاحظه شد، با توجه به مذهب شیعه به رفع تعارض اخبار پرداخته، لکن موارد بسیاری را که در تعارض با

^۱ - تفاوت میان دو دیدگاه اخباری و اصولی را در نوع تعامل با روایات، در تعریف اصطلاح «اخباری» می‌توان جست. به نقل از شیخ انصاری آورده‌اند: «اخباریان به تمام اقسام چهارگانه حدیث - اعم از صحیح، موثق، حسن و ضعیف عمل می‌کنند و فرقی میان آنها نمی‌گذارند و از همین رو، به آنان اخباری گفته‌اند؛ بر خلاف مجتهدان که میان این چهار نوع حدیث، فرق می‌نهند و تنها به برخی اقسام آن عمل می‌کنند. جهت دیگر، این است که آنان از میان ادله چهارگانه برای استنباط احکام، حجیت ظواهر قرآن، حجیت عقل و حجیت اجماع را انکار کرده‌اند و دلیل معتبر را فقط به اخبار منحصر کرده‌اند، و از همین روست که به اخباریه معروف شده‌اند» (قمی، ۲۰).

مذهب شیعه نبوده، از کتاب ابن قتیبه وام گرفته است.

نتیجه گیری

- ۱- کتاب عوالی اللئالی از جمله آثاری است که روایات غث و سمین را به هم آمیخته است.
- ۲- ابن ابی جمهور حداقل در فصل چهارم مقدمه کتابش آن گونه که دیدیم، بیش از دو ثلث (حدود ۷۰ درصد) عناوین روایات ابن قتیبه را ذکر کرده است، بدون آن که به مأخذ اصلی آنها اشاره نماید.
- ۳- علت توجه ابن ابی جمهور به کتاب ابن قتیبه احتمالاً به سبب رفع تعارض اخبار است. اگرچه آن گونه که ملاحظه شد، ابن ابی جمهور در مواردی این راه حل های رفع تعارض را نپذیرفته و در مواردی نیز اصلاً به معارض این روایات اشاره نکرده است.
- ۴- اختلافات مذهبی شیعه و اهل سنت در انتخاب احادیث توسط ابن ابی جمهور نقش داشته و روایاتی را که با مذهب شیعه سازگاری نداشته اصلاً نیاورده یا تأویل متفاوتی ارائه داده یا با تأویل ابن قتیبه مخالفت کرده است.
- ۴- در رویکرد معرفتی به این نوشتار به دست می آید. در برخی موارد در لابه لای متون شیعی احادیثی به چشم می خورد که با لسان روایات اهل بیت (ع) همخوانی ندارد. لذا بر پژوهشگر است که سند روایات را مورد مذاقه قرار دهد و منابع روایی آن ها را واکاوی نماید. چرا که در مواردی، برخی روایات ضعیف عامه در بین متون شیعی نقل شده و سبب طعن بر این منابع گشته است.

منابع

- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
- ابن ابی جمهور أحسانی، *عوالی اللئالی العزیزة فی الاحادیث الدینیة*، تحقیق: مجتبی عراقی، قم، مطبعة سیدالشهداء (ع)، ۱۴۰۳ ق.
- _____، *مجیب نداء التوالی الی منتخبات العوالی*، نسخه خطی شماره ۹۶۹۳، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق: احسان عباس، دارالثقافة، بیروت، ۱۹۶۸-۱۹۷۲ م.
- ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین، *معالم الدین و ملاذ المجتهدین*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- ابن طاووس، احمد بن موسی، *التحریر الطاووسی، المستخرج من کتاب حل الاشکال فی معرفة الرجال لاحمد بن موسی آل طاووس*، تألیف حسن بن زین الدین صاحب المعالم، تحقیق: فاضل جواهری، به اشرف محمود

- مرعشي، قم، مكتبة آية الله العظمي مرعشي، ١٤١١ ق.
- ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم، *تأويل مختلف الحديث*، تحقيق سليم بن عبدالله سلفي، رياض، القاهرة، دار ابن القيم، دار عفان، چاپ دوم، ١٤٣٠ ق.
- ابن نديم، *الفهرست*، تحقيق رضا تجدد، تهران، بي نا، ١٣٥٠.
- بستاني، قاسم، «ارزيابي حديث نحن معاشر الانبياء لا نورث»، *شيعه شناسي*، شماره ٢٠، زمستان ١٣٨٦، ص ٨١-٩٥.
- حراملي، محمد بن حسن، *أمل الآمل*، تحقيق: احمد حسيني، قم، دارالكتاب الاسلامي، ١٣٦٢.
- خطيب بغدادي، احمد بن علي، *تاريخ بغداد*، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٧ ق.
- الشخص، هاشم محمد، *في رحاب ابن ابي جمهور الاحسائي، دراسة شاملة عن حياته و علمه و فكره و مؤلفاته و ما قيل عنه*، بيروت، جمعية ابن ابي جمهور لاحياء التراث، ١٤٣٥ ق.
- زرين كوب، عبدالحسين، *تاريخ در ترازو*، تهران، اميركبير، ١٣٧٥.
- ساماران، شارل، روش هاي پژوهش در تاريخ، مشهد، بنياد پژوهش هاي اسلامي، بي تا.
- شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، کتابفروشی اسلاميه، ١٣٧٧ ق.
- شهيد اول، *ذكرى الشيعة في احكام الشريعة*، قم، مؤسسة آل البيت (ع) لاحياء التراث، ١٤١٩ ق.
- شهيد ثاني، زين الدين بن علي، *الرعاية في علم الدراية*، در مجموعه رسائل في دراية الحديث، ج ١، به كوشش ابوالفضل حافظيان بابلي، قم، دارالحديث، ١٤٢٤ ق.
- _____، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٦ ق.
- _____، *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية*، قم، انتشارات داورى، ١٤١٠ ق.
- شيخ بهائي، محمد بن حسين، *الحاشية على من لا يحضره الفقيه*، تحقيق: فارس حسون كريم، قم، دارالحديث، ١٤٢٢ ق.
- طوسي، محمد بن حسن، *العدة في اصول الفقه*، تحقيق: محمد رضا انصاري قمي، قم، مؤسسة البعثة، ١٤١٧ ق.
- علامه حلي، حسن بن يوسف، *خلاصة الاقوال في معرفة الرجال*، تحقيق جواد قيومي، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، مؤسسة نشر الفقاهة، ١٤١٧ ق.
- _____، *مبادئ الوصول الى علم الاصول*، تحقيق عبدالحسين محمد علي بقال، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ١٤٠٤ ق.
- غفراني، عبدالله، *فهرس مصنفات الشيخ محمد بن علي بن ابي جمهور الاحسائي*، بيروت، جمعية ابن ابي جمهور الاحسائي لاحياء التراث، ١٤٣٤ ق.
- فاضل آبي، حسن بن ابي طالب، *كشف الرموز في شرح المختصر النافع*، تحقيق: علي پناه اشتهازي و حسين يزدي، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٨ ق.

فتاحی زاده، فتحیه، معتمد لنگرودی، فرشته، «روشهای حل تعارض اخبار در تأویل مختلف الحديث»، پژوهشنامه ثقلین، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، ص ۱-۳۶.

قطیفی، فرج العمران، *الازهار الارجية*، نجف، مطبعة النجف و النعمان، ۱۳۹۴ ق.

قمی، غلامرضا، *قلائد الفرائد: تعلیقة على فرائد الاصول للشيخ الانصاری*، تصحیح محمد حسن شفیعی شاهرودی، قم، سنابل، ۱۴۲۹ ق.

کربلایی پازوکی، علی، «سرگذشت شق الصدر النبی از پندار تا حقیقت»، کلام اسلامی، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۷۸، ص ۱۱۲-۱۲۷.

لو کنت، جی، «ابن قتیبه دینوری»، تاریخ اسلام، محمد حسن الهی زاده، علی اکبر عباسی، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۶۵-۱۷۶.

مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

محقق حلی، جعفرین حسن، *معارج الاصول*، تحقیق: محمد حسین رضوی، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۳ ق.

_____، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم، مؤسسه سیدالشهداء (ع)، ۱۳۶۴.

محقق کرکی، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.

موسوی عاملی، محمدبن علی، *مدارك الأحكام فی شرح شرایع الاسلام*، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۰ ق.

نجفی مرعشی، شهاب الدین، «رسالة الردود و التقود علی الكتاب و مؤلفه و الأجوبة الشافية الكافية عنهما»، در مقدمه عوالی اللئالی، قم، مطبعة سیدالشهداء (ع)، ۱۴۰۳ ق.

نوری، حسین، *خاتمة مستدرک الوسائل*، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۱۵ ق.